

فصل دوم

اصلاحات ارضی

از همان سال ۱۳۲۰ که بادشواربها و مسئولیتهای بسیار و در مقتضیاتی توان فرسا با مسائل ملی و در رو شدم. همواره از خود میپرسیدم آنچه برای ملت ایران از هر چیز دیگر در تلاش برای بقا و هستی و در مبارزه اش با تخریب و نیستی، سودمند خواهد بود چیست؟ طبیعتاً " وحدت ملی در مفهوم جامع و کاملش و نیز حفظ و صیانت روح ایرانی که تغییرپذیر و قابل جایگزینی نبوده و نیست، اما میبایست که به جهات و جوانب مادی زندگی نیز توجه کرد. من طبیعتاً و فطرتاً " یک سیاستمدار حرفه‌ای نبودم و رسالت آن بود که آنچه را برای میهنم تحقق پذیر است، از آنچه نیست تمیز و تشخیص بدهم. من نمیبایست بدنبال آنچه شاید کمال مطلوب، اما تحقق ناپذیر بود بروم. چه در زمینه مسائل معنوی و اخلاقی و چه در زمینه مسائل اقتصادی و مادی، میدانستم که در سیاست باید واقع بین بود. من بخوبی میدانستم حکومتی که از ترکیب افکار کمونیستها و ملاحای در واقع خدانشناس الهام بگیرد، تخیلی، خطرناک و بدرجام بیش نیست و متأسفانه جریان حوادث، درستی بیش بینی های مرانشان داد.

اصول و مبانی

هیچ چیز رانمی توان و نباید از مردم پنهان داشت و من هرگز چنین نکرده بودم. در کتاب انقلاب سفید، یادآور شده بودم که مادر سیاست ملی ایران روش اختناق افکار و تحدید آزادیهای فردی و اجتماعی و حق انتقاد را کنار خواهیم گذاشت، تا توسعه و ترقی ایران یک ظاهر سازی نباشد. در همین کتاب افزوده ام که باید به باورهای معنوی و حقوق فـسـردی و اجتماعی احترام گذاشت، به تشدید و تحکیم همکاری و تعاون بین ملتها پرداخت، اصلاحات بنیادی را بر تدابیر ظاهر فریب ترجیح داد و در مقام ایجاد یک اقتصاد دموکراتیک و اعتلای فرهنگ ملی برآمد.

در زمستان ۱۳۴۱ به هنگام سخنرانی در نخستین کنگره ملی شرکتهای تعاونی روستائی، شش اصل نخستین انقلاب سفید را به ملت ایران عرضه داشتم که عبارت بودند از:

- ۱ - اصلاحات ارضی و القای نظام ارباب و رعیتی.
- ۲ - ملی کردن جنگلها و مراتع.
- ۳ - تبدیل کارخانههای دولتی به شرکتهای سهامی و فروش سهام آنها جهت تضمین اصلاحات ارضی.
- ۴ - مشارکت کارگران در سود خالص کارخانهها.
- ۵ - تجدید نظر اساسی در قانون انتخابات به منظور اعطای حقوق کامل و برابر سیاسی به زنان.
- ۶ - ایجاد سپاه دانش به منظور سواد آموزی و اشاعه فرهنگ در روستاها.

این برنامه کاملاً عملی و قابل اجرا و منطبق با باورها، سنتها و نیازهای ایرانیان و ضرورتهای اقتصادی و اجتماعی زمان بود. سپس بتدریج این

شامل با افزودن سیزده اصل دیگر بشروح زیر تکمیل گردید، که هر یک باقتضای تحسول جامعه و توسعه امکانات ملی و پیدایش نیازها و مقتضیات جدید، به ملت ایران ارائه گردید.

۷ - ایجاد سپاه بهداشت، از مسئولان طبیب و دندان پزشک و پرستار به منظور تأمین نیازهای بهداشتی و درمانی روستاها.

۸ - ایجاد سپاه ترویج و آبادانی به منظور عمران و نوسازی روستاها و شهرها.

۹ - ایجاد خانه‌های انصاف در روستاها، به منظور تعمیم عدالت دردهات کشور و حل مسائل حقوقی کوچک روستائیان بوسیله خودشان در روستاها و براساس کدخدانتهی.

۱۰ - ملی کردن تمام منابع آبهای زیرزمینی کشور.

۱۱ - نوسازی شهرها و روستاها، با همکاری سپاه ترویج و آبادانی.

۱۲ - انقلاب اداری و آموزشی.

در سال ۱۳۵۴ پنج اصل دیگر افزوده شد که عبارتند از:

۱۳ - تأمین امکان فروش سهام واحدهای بزرگ صنعتی به کارگران.

مقرر شد دولت اعتبارات لازم را بصورت وام در اختیار کارگران قرار دهد که بازپرداخت وامها از محل سود سهام تأمین گردد.

۱۴ - مبارزه با تورم و گرانفروشی و دفاع از منافع مصرف‌کنندگان.

۱۵ - آموزش رایگان و اجباری در هشت سال اول تحصیل.

آموزش رایگان در همه مقاطع تحصیلی بشرط قبول
اصل خدمت به دولت یا در محلی که دولت معین می‌کند،
در زمانی معادل سالهای استفاده از مزایای آموزش
رایگان .

۱۶ - تغذیه رایگان برای کودکان خردسال در مدارس
شیرخوارگان تا دو سالگی و مادران نیازمند .

۱۷ - تعمیم بیمه‌های اجتماعی به همه ایرانیان .
وبالآخره :

۱۸ - مبارزه با معاملات سوداگرانه اراضی و اموال
غیر منقول، به منظور جلوگیری از افزایش
نامعقول قیمت منازل مسکونی و آپارتمانها و
مال الاجاره .

۱۹ - مبارزه با فساد ورشاه و ارتشاه .

قبلاً درباره مراحل سه گانه اصلاحات ارضی سخن
گفتم . در پایان مرحله سوم، دیگر از مالکیت بزرگ
اراضی مزروعی در کشور ما خبری نبود و همه کشاورزان
مالک اراضی مزروعی خود شدند .

برای درک اهمیت این موضوع باید توجه داشت
که در سال ۱۳۳۵ معادل ۷۱٪ جمعیت ایران روستائین
بود و بیش از نیمی از اراضی مزروعی به بزرگ مالکان
تعلق داشت که حدود سی نفر از آنان، از جمله
بعضی از روسای ایلات ، هریک مالک بیش از چهار
روستا بودند . ۰/۲٪ (دو دهم درصد) مالکان اراضی
بیش از ۳۳/۸٪ اراضی مزروعی را در اختیار خود
داشتند .

این بزرگ مالکان، غالباً "یا در تهران و یا در خارج
از ایران می‌زیستند، و اداره املاک آنها با مباشران
و پیشکارانشان بود که بیشتر باروشهای قرون وسطایی
عمل می‌کردند و عملاً مانع توسعه و گسترش کشاورزی
نوبین در ایران بودند .

وظایف بانک اعتبارات و توسعه کشاورزی

برای برکردن خلائی که از لغای نظام ارباب ورعیتی پدید آمده بود، به بانک اعتبارات و توسعه کشاورزی ماموریت تقبل و انجام طرحهای مختلف مربوط به اجرای اصلاحات ارضی در کشور واگذار شد. در نهایت امر، این بانک بیش از ۲۰۰ شعبه در سراسر کشور تاسیس کرده بود و وامهای ضروری را در اختیار تعاونیهای روستائی، اتحادیههای کشاورزان و طبیعتاً خودزارعان قرار میداد. گروههای سیار وزارت کشاورزی و بانک منظم " به مناطق کشاورزی که دچار خشکسالی و بیآفت شده بود، میرفتند و کمکهای لازم را به کشاورزان و دامداران معمول میداشتند.

میان سالهای ۱۳۴۱ تا ۱۳۴۶ میزان وام پرداختی بانک، به کشاورزان از بیست میلیارد ریال تجاوز کرد. به موازات این اقدامات، شرکتهای تعاونی و تعاونیهای کشاورزی با کمک و همیاری کشاورزان بنیان گرفت و توسعه یافت و چون تعداد کشاورزان فراوان شد، به منظور تامین هماهنگی در فعالیت این شرکتهای، ترتیب تمرکز آنان در اتحادیههای منطقهای داده شد. در سال ۱۳۴۲ سازمان مرکزی تعاون روستائی با سرمایه ای معادل یک میلیارد ریال بوجود آمد. وظایف این سازمان عبارت بود از آماده سازی و تربیت مدیران و متخصصان لازم برای اداره تعاونیهای روستائی و کشاورزی و اتحادیههای تعاونی آموزش اعضای این شرکتهای، بازاریابی برای محصولات کشاورزی، تشویق و گسترش صنایع دستی روستائی، ایجاد ارتباط میان تعاونیهای روستائی و کشاورزی و تعاونیهای مصرف.

هدف غائی و رسالت نهائی سازمان، می‌باشد
آن می‌بود که کشاورزان آزاد و مستقل را به آن حداز
توانائی فنی و امکان مالی برساند که خود را " همه
امور مربوط به خود را به دست گیرند و سهام سازمان
را نیز مجموعاً " خریداری و مدیریت آنرا تقبل نمایند
بانکهای اعتبارات کشاورزی و شرکتهای
تعاونی کشاورزی و روستائی، سازمانها و تاسیسات
متعارف کشاورزی نوین در همه جهان شمار می‌رود. ولی
لازم است در اینجا به سازمان دیگری در کشاورزی جدید
ایران اشاره نمایم، که در کشورهای دیگر مشابه
آن تاسیس شده و میتواند به عنوان تجربه‌ای سودمند
و موفق مورد بررسی قرار گیرد. مراد شرکتهای سهامی
زراعی است.

شرکتهای سهامی زراعی

هدف از تشکیل این شرکتهای افزایش سازده و
بهبود کیفیت محصولات کشاورزی از طریق تجمیع
واحدها و مکانیزه کردن کشاورزی و بکار بردن روشهای
نوین کاشت و برداشت است.
هر کشاورز، به قدر ارزش زمین خود در شرکتهای
سهامی زراعی سهم و شریک میشود ولی به کاشت حصه
خود همچنان ادامه میدهد. اما بدون موافقت
شرکت حق فروش آنرا ندارد و سهامداران شرکت در
خرید آن حق تقدم کامل دارند. وراثت وی نیز بحای
زمین، از سهام شرکت بعنوان حق الارث دریافت
میدارند و بدین ترتیب از قطعه قطعه شدن زمین که موجب
کاهش بازده فعالیت کشاورزی است، جلوگیری میشود.
تشکیل شرکتهای سهامی زراعی، ضمن حفظ اصل مالکیت
خصوصی اراضی مزروعی، موجبات تجمیع قطعات کوچک

مزروعی و ایجاد واحدهای بزرگ مکانیزه رافراهم
میاورد و تلفیق مطلوبی است میان مالکیت خصوصی
و بهره برداری جمعی.

تاسیس شرکتهای سهامی زراعی این امکان را
برای کشاورزان صاحب زمین در ایران تامین کرد که
نیروهای خود را برای بهبود و توسعه کارخویش متمرکز
سازند و از عواید قابل ملاحظه‌ای نیز برخوردار شدند.
نتایج پانزده ساله اجرا و تحقق و اصلاحات ارضی را
میتوان در چند رقم خلاصه کرد:

- بیش از دو میلیون خانواده کشاورز ایرانی، مالک
اراضی مزروعی خود شدند.

- پرداخت بیش از ۲۰ میلیارد ریال وام از طریق
۲۸۷۰ تعاونی روستائی به ۲/۸۰۰/۰۰۰ نفر اعضای آنها
- تاسیس ۱۴۷ اتحادیه شرکتهای تعاونی که بیش از
۲۸۰۰ تعاونی فوق الذکر در آنها عضویت یافتند.

- تشکیل ۸۹ شرکت سهامی زراعی با نزدیک شصت هزار
سهامدار و عضو که فعالیت آنها بر مساحتی معادل
چهارصد هزار هکتار اراضی مزروعی شامل میشد.
کلیه این شرکتها سودآور و دارای بهره و بازده
اقتصادی رضایت بخش بودند.

- تشکیل ۳۵ شرکت تعاونی کشاورزی تخصصی که در
مساحتی معادل ۸۸۰۰۰ هکتار به فعالیت زراعی اشتغال
داشتند و محیطه کاشت و برداشت آنان بر ۵۷۰۰۰ خانواده
کشاورز شامل میشد.

- ایجاد ۱۰۲۲ خانه فرهنگ روستائی که نزدیک به
دو میلیون تن، از خدمات متنوع آموزشی و فرهنگی آنان
استفاده میکردند. همچنین برابر ۲۵۰/۰۰۰ کودک
روستائین سه تا شش ساله از ۷۴۹ مجتمع مهد
کودک و شیرخوارگاه و کودکانستان استفاده کرده، علاوه
بر خدمات بهداشتی و مقدماتی آموزش یک وعده غذایی

رابگان دریافت میکردند .
- در طی مدت پانزده سال مورد اشاره ، تولیدات
کشاورزی ایران بطور متوسط سالیانه پنج درصد
افزایش یافت ، بمبارت دیگر در همین مدت مجموعاً
دوبرابر شد .

تأثیر انقلاب سفید بر زندگی روستاها

فراموش نکنیم که علاوه بر اصلاحات ارضی که
مستقیماً " وبدون واسطه زندگی روستائی ایران را
دگرگون کرد ، همه اصول دیگر انقلاب نیز بر آن تاثیر
مثبت و مطلوب نهادند : اصل سوم تامین اعتبارات
لازم برای اجرای اصلاحات ارضی را میسر ساخت ، باین
معنی که پنجاه و پنج واحد صنعتی به شرکتهای سهامی
تبدیل شدند که ارزش سهام آنها به ۷/۷ میلیارد
ریال بالغ میگردد .

سرمایه این شرکتهای به ۱۵۴/۰۰۰ سهام ۵۰/۰۰۰ ریالی
منقسم گردید و بوسیله بانک اعتبارات و توسعه
کشاورزی ایران به معرض فروش گذاشته شد و از آن محل
امکان تادیه فرامات مالکین اراضی مزروعی ، فراهم
گشت . این تدبیر نه تنها گردش سرمایه ها و توسعه
فعالیت صنعتی را موجب گشت ، بلکه قشریون قابله
ملاحظه ای از افراد جامعه بصورت شریک و سهامدار
شرکتهای بزرگ صنعتی کشور در آمدند و مستقیماً " در بسط
و توسعه ملی و ثمرات رونق اقتصادی سهم گردیدند .
بدیهی است بعضی از بخشهای اساسی اقتصاد کشور
مانند خطوط آهن ، صنایع اسلحه سازی ، استخراج
معادن ذغال سنگ ، تولید برق ، صنعت نفت ، استخراج
و بهره برداری از معادن مس همچنان در مالکیت و اداره
دولت ، که نماینده مصالح عمومی بود ، باقی مانده

حال آنکه کارخانه‌های دولتی در بخش‌های صنایع
غذایی، ریسندگی و بافندگی، مصالح ساختمانی و...
به بخش خصوصی منتقل گردید.
در دوران پانزده سال مورداشاره دولت به
نوسازی و تجهیز همه صنایع تحت مالکیت خود پرداخت
و تا صنعت و یا واحدی به حد کارآرایی مگنی نرسید،
نسبت به فروش آن اقدام نشد. کار تجدیدبنای
صنایع کشور به سازمانی خاص بنام گسترش و نوسازی
صنایع واگذار شده بود که با برنامه‌های منظم به این
مهم میپرداخت.

فصل سوم

اقدامات سپاه دانش، سپاه بهداشت

وسپاه ترویج و آبادانی

سپاههای دانش، بهداشت و ترویج و آبادانی که هر سه بر اساس اصول انقلاب شاه و ملت تاسیس شد، نقشی بس مهم و اساسی و موثر در آبادانی روستاها و گسترش خدمات بهداشتی، آموزشی و رفاهی و فرهنگی در میان کشاورزان و همه روستائینان، ایفا نمود.

افراد این سپاهها را مشمولان وظیفه مرد و پسران دختران داوطلب تشکیل میدادند. مخصوصاً "شوروشوق" و هیجان دختران در این خدمت، حیرت انگیز بود. خود من هنگام بازدید از یک مرکز آموزش دختران داوطلب از آنان پرسیدم کدام یک مایل است دوران خدمت خود را در روستاها بگذارند. بدون استثنا همه اعلام آمادگی و ابراز تمایل کردند.

پیش از سال ۱۳۴۲ فقط ۱۶ تا ۲۴٪ کودکان لازم‌التعلیم، به تناسب مناطق مختلف کشور، به مدرسه میرفتند و دیگران از این نعمت محروم بودند. در مقابل ۷۴٪ کودکان شهرنشین از خدمات آموزشی استفاده میکردند. البته قانون تعلیمات اجباری در سال ۱۳۲۱ به تصویب رسیده بود، ولی امکان اجرای آن وجود نداشت. و در سطح کل کشور و در مجموع طبقات سنی، ۸۵٪ ایرانیان از نعمت سواد محروم بودند و خواندن و نوشتن نمیدانستند.

من بخوبی میدانستم که برای حل این مشکل باید از شور و شوق جوانان ایران باری جست. آیا

امکان داشت و قابل تصور بود که جوانان مشمول خدمت وظیفه عمومی حاضر به خدمت در روستاها برای سوادآموزی و گسترش آموزش نباشند و پاسخ آنان به این ندای ملی منفی باشد؟ ایدا". پاسخ جوانان ایران مثبت و توأم با شور و هیجان و اخلاص عمل بود و احترام و ستایش همگان را برانگیخت و حتی موجب تعجب و تحسین در ممالک خارجی شد و کشورهای متعدد از این اصل انقلاب شاه و ملت الهام گرفتند.

سپاه دانش توفیقی بی مانند به دست آورد: فقط در سطح روستاهای کشور طی مدت پانزده سال، تعداد دانش آموزان مدارس سپاه دانش ۶۹۲٪ افزایش یافت و در پنج سال اول ۵۱۰/۰۰۰ پسر و ۱۲۸/۰۰۰ دختر همچنین ۲۵۰/۰۰۰ مرد سالمند و ۱۲/۰۰۰ زن سالمند از آموزش این سپاهیان استفاده کرده و خواندن و نوشتن فراگرفتند.

در همین مدت سپاهیان دانش موفق شدند با کمک و خودیاری روستائیان ۱۰۲۰۰ مدرسه ساده در روستاها بسازند و ۷۲۰۰ بنای قدیمی را مرمت کنند.

سپاهیان دانش در همین مدت توانستند ۹۵۰ مسجد بنا کنند و ۸۲۰۰ مسجد را تعمیر کردند. همچنین ۵۰۰ حمام عمومی و ۶۰۰۰ کیلومتر راه روستائی احداث نمودند که در آنها ۲۴۵۰ پل کوچک و ۲۰/۰۰۰ آبپرو تعبیه شده بود. اینان در ایجاد و نوسازی ۸۷۰۰ مزرعه نمونه و اجرای برنامه غرس ۱۲/۵۰۰/۰۰۰ اصله درخت بمنظور ایجاد فضای سبز و باغات قابل استحصال و تاسیس ۷۵۰۰ باشگاه ورزشی روستائی و نصب ۵۰۰ صندوق پست در روستاها نیز همکاری و مشارکت مستقیم و موثر داشتند.

تا پایان سال ۱۳۵۷ بیست و هشت دوره از پسران

و ۱۸۹ دوره از دختران به خدمت سپاه دانش رفتند، که مجموع تعداد آنان به بیش از یکصد هزارتن بالغ گردید. بسیاری از این گروه پس از پایان دوره سپاهگیری به خدمت وزارت آموزش و پرورش در آمدند و کار تعلیم نوجوانان و جوانان را ادامه دادند. بعضی دیگر در راهبری خانه‌های انصاف مشارکت موثر نمودند.

هزینه مدارس سپاه دانش ثلث هزینه مدارس متعارف مشابه بود و همه خدمات عمرانی و فرهنگی اجتماعی جنبی را سپاهیان برایگان و داوطلبانسه انجام می‌دادند.

بخشی مهم از این خدمات به عهده سپاه ترویج و آبادانی بود که براساس اصل هشتم انقلاب و شاه و ملت دو سال بعد بنیان گرفت و در آغاز کار وظایف مشخص دیگری نیز برعهده داشت.

سپاه ترویج و آبادانی

نخستین وظیفه هر یک از افراد این سپاه، تهیه "شناسنامه" هر روستا بود. این شناسنامه مشتمل بود بر اطلاعات دقیقی در مورد موقعیت و مشخصات جغرافیائی، کشاورزی، اقتصادی و فرهنگی هر ناحیه. براساس تکمیل این پرسشنامه و اطلاعاتی که بدست می‌داد، می‌بایست بررسیهای دقیقتری در مورد مسائل و معضلات محلی به عمل آید و وزارت کشاورزی و عمران روستائی ما موریت داشت که براساس مجموع پرسشنامه‌ها شناسنامه جامع و کاملی از همه روستاها و زندگی روستائی ایران فراهم آورد.

کار دیگر این سپاهیان، آموزش و ترویج روشهای نوین کاشت و برداشت بود و می‌بایست در مزرعه نمونه

کوچکی که مساحت آن از یک هزار متر کمتر نباشد، عملاً طرز استفاده و فواید این راه و روشها بسیار روستائیان آموخته شود. همچنین سپاهیان ترویج و آبادانی وظیفه داشتند شیوه‌های بهبود کیفیت دامداری، تهویه و تنظیف محلهای نگاهداری دامها و تلقیح آنها را به کشاورزان بیاموزند و نیکی فعالیتهای اجتماعی و فرهنگی را در روستاها گسترش دهند.

بعضی از اقدامات و خدماتی که این سپاهیان در ۶۶،۷۵۴ روستای کشور ما انجام دادند به قرار زیر است: احداث راهها و شبکه‌های آبرسانی روستائی، انجام کمکهای بهداشتی و درمانی بروستائیان در غیبت سپاه بهداشت، ساختمان حمامهای عمومی، مدارس، کتابخانه‌ها، نصب موتورهای کوچک مولد برق و بهره‌برداری از آنها، کمک به بهره‌برداری از شبکه پست و تلگراف و تلفن، احداث ابنیه عمومی، از جمله محل استقرار تعاونیهای روستائی و مدارس.....

تشکیلات سپاه بهداشت و پیش‌بینی شبکه

پزشکی از طریق تلویزیون

فوقاً " به فعالیتهای و خدمات سپاهیان دانش و سپاهیان ترویج و آبادانی اشاره کردیم. قسمتی از خدمات سپاهیان بهداشت جنبه عمومی و اختصاصی به پاکسازی و بهسازی محیط زیست، تامین آب آشامیدنی و امثال اینها داشت ولی وظیفه و رسالت اصلی آنان، انجام خدمات پیش‌گیری و درمان بیماریها بود.

در طی هشت‌سالی که از فعالیت سپاه بهداشت گذشته بود، تعداد روستائیان که از خدمات بهداشتی و درمانی استفاده میکردند، از یک میلیون نفر به

هشت میلیون نفر بالغ گردید. توفیق این سپاه چنان بود که در سال ۱۳۵۲ تصمیم گرفته شد، همه خدمات بهداشتی و درمانی در سطح روستاهای کشور به آنسان تفویض شود و بدنبال این تصمیم سازمان سپاه بهداشت و مراکز بهداشتی و درمانی روستاها تشکیل گردید.

در سال ۱۳۵۶ سازمان فوق ۱۴۲۲ مرکز بهداشت و درمان روستائی و ۱۲۴۰ پزشک در اختیار داشت. همچنین چهار صد آزمایشگاه تشخیص طبی و تعداد قابل ملاحظه ای درمانگاههای ثابت و سیار در اختیار این سازمان بود که هزینه تهیه و یا فعالیت بسیاری از آنها را خود روستائینان تقبل کرده بودند. نقش روانی سپاهیان بهداشت را نباید از دیده بدور داشت. حضور آنان در روستاها و خدمات موثر و ملموس و محسوسی که انجام میدادند سبب شد که روستائینان به طب جدید اعتماد پیدا کنند و از مراجعه به اشخاص فاقد صلاحیت اجتناب نمایند و بدین ترتیب "سپاهی" به عنوان عامل درمان و نجات و سلامت در دل روستائینان ایرانی مقامی والا یافت.

در حقیقت افراد این سپاه سربازان انقلاب اجتماعی و ملی ایران بودند. سربازانی که در پیکار با فقر و جهل و عقب افتادگی میکوشیدند و از هیچ مانعی هراس نداشتند و در حیطه مسئولیت و عمل خود از هیچ خدمتی برای بهبود شرایط زندگی همت میهنانشان دریغ نمی ورزیدند.

حقوق و مزایای این سپاهیان، دقیقاً "معادل افسران هم‌رتبه آنان در قوای مسلح بود. به عنوان مثال، یک فارغ التحصیل دانشگاه، چه زن، چه مرد، حقوق و مزایای معادل ستوان یکم ارتش دریافت میداشتند. چرا که میان آنان تفاوتی نبود. فراموش نکنیم که طی این دوران، اندک اندک

سطح زندگی وقوه خرید درکشور ما ارتقاء یافت و نتیجه عواید عمومی نیزرو بتزاید رفت ودستگاههای دولتی توانستند بنوبه خودحجم هزینههای عمرانی، رادرسطح روستاهای کشورافزایش دهند. آنچه سه سپاهیان انجام دادند، درحقیقت مکمل ومزید بسر برنامه های متعارف عمران وتوسعه ملی بود زیراکه مفهوم تحول واحساس ترقی رایبه قلب روستاهای دورونزدیک ایران بردند ویدین ترتیبکشاورزان وروستائیان ازنزدیک دگرگونی کشورخود رااحساس نمودند.

تلاش سپاهیان انقلاب، باعث تسریع درهمه برنامه های عمرانی شدوسرانجام این امکان رایبه وجود آورد که ایران، ازمدار عقب افتادکسی خارج شود ودرشمار ممالک متحول درآید.

برنامه آینده مااین بودکه از طریق ماهوارههایی که ایران قصد خریداری آنرا داشته یک شبکه درمانی تلویزیونی بوجود آوریم به نحوی که هرطبیب ساده دریک روستای دورافتاده بتواند باپزشکان متخصص درتهران یا مراکز بزرگ تماس بگیرد، بیمارخود راارائه دهد وجاره جوئی نماید. ایجاد چنین شبکه ای می توانست امکان مراجعه به برجسته ترین متخصصان وپزشکان رایبرای دورافتاده ترین ایرانیان بوجود آورد.

بااستفاده ازماهواره ها واجرای برنامه ای که مجموعاً " سی میلیارد دلارتمام میشد، قراربود یک شبکه کامل مخابراتی برای سرتاسر کشوراحداث شود ودرنتیجه ایران ازحیث مخابرات دزصف مقدم ممالک دنیاقرار میگرفت.

ازدیدگاه من، این عمل یکی از جنبه های عمده واصلی تمدن بزرگ بشمار میرفت.

توسعه جنگلها و مراتع

اکنون به دواصل دیگر انقلاب اجتماعی و ملی ایران میپردازیم -

یکی ، ملی شدن جنگلها و مراتع

و دیگری ، ملی شدن منابع آب

هردوی این اصول باسنتهای کهن ملی و مذهبــــی ایرانیان و ضرورتهای کنونی بسط و توسعه اقتصاد کشورهما هنگی تام و تمام داشت .

متاسفانه مساحت جنگلهای ایران چندان زیاد نیست . بر رویهم ۳،۴۰۰،۰۰۰ هکتار جنگل در دامنه های شمالی کوههای البرز و استانهای ساحلی دریای خزر وجود دارد و تا سه میلیون هکتار دیگر بطور پراکنده در سایر نقاط کشور و از این مجموع فقط ۱/۳ میلیون هکتار از لحاظ صنعتی قابل بهره برداری است و مابقی بر اثر حوادث و فقدان نگاهداری صحیح در گذشته ، نمیتواند به فوریت مورد استفاده قرار گیرد .

بر اساس اسناد و مدارک موجود ، ایران از عهد عتیق تا اوائل قرن هیجدهم دارای جنگلهای متعدد و متنوع بود . مساحت جنگلهای موجود در داخل سرحدات کنونی ایران ، در زمان هخامنشیان به بیش از ۱۶ میلیون هکتار میرسید . اشهدام جنگلهای ایران از زمان حمله مغول آغاز گشت و مخصوصا "در سه قرن اخیر و اوائل قرن بیستم به حد اعلای خود رسید . میان سالهای ۱۹۰۳ تا ۱۹۱۳ تقریبا " یکم و ســــی هزار تن ذغال خوب از قطع اشجار جنگلی ایران استحصال گردید که بیش از سی و سه هزار تن آن به خارج صادر شد .

در طول تاریخ، جنگل‌های ایران تحت نظام مالکیت شخصی نبود و طبق اصول اسلامی نیز شطها و رودخانه‌ها و جنگل‌ها و مراتع و دریاچه‌ها و مرداب‌ها قابلیت تملک خصوصی و فردی نداشته متعلق به عامه مردم است. در دوران خاننانی وضع قدرت مرکزی، بزرگ مالکان و صاحبان قدرت و نفوذ، بتدریج بخشی مهم از جنگل‌ها و مراتع کشور را به مالکیت خود درآوردند و به نحوی غیر عقلانی مورد بهره‌برداری قرار دادند و تخریب و انهدام آنها را باعث شدند. در نتیجه قسمتی مهم از جنگل‌های ایران از میان رفت و در مناطق مرکزی، صحرا توسعه و گسترش فراوان یافت.

من، در سال ۱۳۴۲ یاد آور شدم که جنگل ثروتی است طبیعی و ملی که در پیدایش و گسترش آن دست بشر دخالت نداشته و بنا بر این حاصل کار و کوشش شخصی یا اشخاص معینی نمیتواند باشد، بلکه طبیعت آن را بما ارزانی داشته تا همگان از مواهبش بهره‌مند شوند، طبیعتاً این بیان من بر مراتع نیز شمول داشت. مساحت مراتع ایران به هیجده میلیون هکتار میرسد که حدود ۸ میلیون آن مراتع معمولی بوده میلیون هکتار آن بیشه زار و پاکم و بیشه مشجر بود. این مراتع برای تغذیه نیمی از دام‌های کشور کافی بود و نه بیشتر. بهمین سبب دام‌های ایران نحیف بودند و از غذای کافی برخوردار نمیشدند و کمبود مرتع سوء استفاده‌های زیادی را سبب میشد.

تصویب نامه قانونی اجرای اصل ملی کردن جنگل‌ها و مراتع در بهمن ۱۳۴۱ قطعیت یافت و از آن پس همه جنگل‌ها و مرتع‌های ایران بصورت ثروتی ملی متعلق به همه ایرانیان درآمد و ترتیبی برای پرداخت غرامات معقولی به مالکان خصوصی داده شد. حفاظت، بهره‌برداری و توسعه جنگل‌های کشور به

سازمان جنگلیانی محول شد. برای تجدید واحیای جنگلها، هرگونه تردد غیر مجاز وبههره برداری در قسمت مهمی از جنگلهای کشور ممنوع گردید وبه شرکت ملی نفت ایران ماموریت داده شد که مراکز متعدد توزیع مواد نفتی در سطح روستاها ونقاط دورافتاده کشور بوجود آورد تا نیاز مردم به مصرف ذغال چوب ازمیان برود.

در طی این مدت ۹ میلیون اصله درخت در ۲۶ نقطه کشور کاشته شد و ۲۸۰۰۰ هکتار کمربند سبز در اطراف شهرهای بزرگ ویا حاشیه راههای اصلی کشور احداث گردید و چندین جنگل بزرگ بصورت پارک جنگلی ملی درآمد.

بعلاوه در مساحتی برابر ۸۰۰۰۰۰ هکتار، نهالها وبوته های مخصوص برای جلوگیری از پیشرفت شن در صحرای مرکزی ایران کاشته شد.

در زمینه مراتع، مقررات خاصی برای استفاده دامداران از آنها وضع گردید و حقوق وامتیازات بزرگ مالکان سابق بر این اراضی ملغی شد و وزارت کشاورزی ماموریت یافت برنامه خاصی برای توسعه وبههره برداری مراتع ملی به مرحله اجرا درآورد.

تلاش ملی برای تامین آب

در سال ۱۳۴۷ اصل ملی شدن منابع آبهای تحت الارضی و سطح الارضی در سرتاسر کشور به تصویب رسید. تصویب این اصل هم برسنتهای ملی دیرین ایرانی به زمان هخامنشیان میرسد، استوار بود وهم برتعالیم دین اسلام.

متأسفانه ایران در طول تاریخ خود همواره با کمبود آب مواجه بوده است تا آنجا که داریوش بزرگ

دعا میکرد که اهورامزدا ایران را از خطر دشمن ،
دروغ و خشکسالی محفوظ نگاه دارد .

در حالیکه متوسط میزان سالیانه بارندگی
در جهان ۸۶۰ میلی متر است ، این رقم در ایران
از ۲۳۱ میلی متر تجاوز نمیکند . مجموع منابع
آب ایران ، به نسبت بارندگی مطلوب و یا خشکسالی
بین ۲۸۰ تا ۵۲۰ میلیارد مترمکعب متغیر و بطور
متوسط برابر ۳۷۸ میلیارد مترمکعب است .

از این مجموع در حدود ۷۳٪ به جنگلها ، مراتع ، اراضی
غیرمزروعی و یادیم اختصاص میابد و بابه دریاچه‌ها و
دریاها میریزد . در حدود ۲۷٪ یعنی بطور متوسط
تقریباً " ۱۰۳ میلیارد مترمکعب ، از طریق رودخانه‌ها
و چشمه سارها ، در دسترس و قابل استفاده است .

در سال ۱۳۴۶ حدود ۶۶/۸ میلیون مترمکعب
برای تامین نیازهای شهری و صنعتی و کشاورزی ایران
کفایت داشت که از این رقم ۲۶/۲ میلیارد مترمکعب
آن فقط به مصرف زراعت میرسد .

این ارقام بخوبی نشان میدهد که اگر فقط
یکسال کمبود باران در کشور باشد چه مشکلی پدید
میآید و اگر خشکسالی تکرار شود چه فاجعه‌ای است .
همچنین افزایش سریع نفوس ، توسعه شهرها ، گسترش
صنایع ذوب آهن فلزات ، پتروشیمی ، تولید برق و
ارتقاء میزان مصرف ، ضرورت و وجوب اتخاذ اجرائی
یک سیاست جامع و درونگر تامین و توسعه منابع آب
و جلوگیری از اتلاف آنرا بر همگان روشن ساخته و
میآزد .

قبل از سال ۱۳۴۲ پنج سد بزرگ و کوچک در کشور
مساخته شده بود . پس از این تاریخ هشت سد بزرگ
برای رقم افزوده شد که مجموعاً " ظرفیت دریاچه‌های
زیر این سدها بر ۱۳ میلیارد مترمکعب بالغ گردید

وامکان آبیاری ۸۰۰۰۰۰ هکتار اراضی مزروعی (از جمله ۴۰۰۰۰۰ هکتار اراضی جدید) را تامین نمود. ظرفیت نصب شده تولید برق این سدها به ۱۰۸۴ مگاوات بالغ گردید. هنگامی که من ناگزیر از ترک ایران شدم، پنج سد بزرگ دیگر در دست ساختمان بود که تنها یکی از آنها، یعنی سد رضاشاه کبیر بر روی شط کارون، میتواند ۱۵۰۰۰ هکتار اراضی جدید زراعی را مشروب و ۱۰۰۰ مگاوات برق تولید نماید. با ساختمان دوسد دیگر بر شط کارون، که در دست بررسی بود، میزان تولید برق در این مجموع به ۳۰۰ مگاوات بالغ میگردد. بعلاوه مطالعاتی برای استفاده از آبهای زیرزمینی این منطقه آغاز شده بود.

طرح دیگری که در زمینه تامین منابع آب در دست انجام و اتمام بود، مرکز شیرین کردن آب دریا در ساحل خلیج فارس بود که میبایست به مدد نیروی برق حاصل از نیروگاههای اتمی تحقق یابد. قرار بود آب حاصل از این طرح، هم به مصارف شهری و خانگی و رفع کمبودهای موجود در شهرها و روستاهای سواحل جنوبی کشور برسد و هم به مصارف صنعتی و کشاورزی.

هدف نهائی و طویل المدت ما این بود که سطح اراضی زیر کشت را از ۲/۷ میلیون هکتار به ۱۵ میلیون هکتار برسانیم و برای نیل به این منظور لازم بود که هم نیرو هم آب کافی در اختیار باشد.

تولید نیروی برق ایران در سالهای ۱۳۴۲ تا ۱۳۵۷ از ۲/۳۸۸ میلیون کیلووات ساعت به بیش از ۲۰ میلیارد کیلووات ساعت و ظرفیت نصب شده مراکز تولید برق، از ۸۵۰ مگاوات به ۷۵۰۰

مگاوات رسید و قرار بود که در سالهای ۱۳۵۹ و ۱۳۶۰ ،
۲۴۰۰ مگاوات تولید برق از نیروگاههای اتمی نیز
به این رقم اضافه شود. برنامه نهائی ما آن بود
که طی بیست سال آینده ۲۵۰۰۰ مگاوات برق اتمی
تولید کنیم .

ملاحظه میشود ، ارزش اتهاماتی که در زمینه
عدم توجه کافی به کشاورزی نسبت به سیاست من
وارد آمد ، ناچه اندازه بود. در کشوری که با
کمبود آب مواجه است ، لازم آن بود که ابتدا
سرمایه گذاری های سنگین و عمده در این قسمت
انجام شود و آنچه در توان بود انجام شد .

فصل چهارم

انقلاب سفید و کارگران

بر اثر انقلاب شاه و ملت، ۲/۵ میلیون خانواده ایرانی، یعنی حدود دوازده میلیون نفر، مالک اراضی مزروعی خود شدند. اگر چنین تحولی خوشایند بزرگ مالکان روحانی و غیر روحانی نبود و نیست، تعجب نباید کرد.

اصل دیگر سیاست ما، تاکید و تکیه بر توسعه سریع صنایع کشور بود. من نمیتوانستم یک آن از خاطر ببرم که با توجه به آهنگ افزایش نفوس در ایران، تعداد جمعیت کشور در سال ۱۳۷۰ از پنجاه میلیون نفر تجاوز خواهد کرد و برای اینان باید منبع درآمد و اشتغال فراهم کرد.

جمعیت تهران در سال ۱۳۳۵ برابر با ۱۰۷۰۰۰۰۰ نفر و در سال ۱۳۵۷ معادل ۴۵۰۰۰۰۰ نفر بود. جمعیت اصفهان در سال ۱۳۳۵ برابر با ۲۵۵۰۰۰۰ و در سال ۱۳۵۷ معادل ۱۰۰۰۰۰۰۰ نفر بود. جمعیت تبریز در سال ۱۳۳۵ برابر با ۳۰۰۰۰۰۰ نفر و در سال ۱۳۵۷ معادل ۹۰۰۰۰۰۰ نفر بود.

جمعیت مشهد در سال ۱۳۳۵ برابر با ۲۵۰۰۰۰۰ نفر و در سال ۱۳۵۷ معادل با ۹۵۰۰۰۰۰ نفر بود. جمعیت شیراز در سال ۱۳۳۵ برابر با ۱۷۱۰۰۰۰ نفر و در سال ۱۳۵۷ معادل با ۷۵۰۰۰۰۰ نفر بود.

الته پدیده شهرگرایی منحصر و مختص به ایران نیست. امانمیتوانستیم از توجه به آن در کشور

خود غافل باشیم و پیچیدگی آنرا بدست
فرا موشی بسیاریم .

تامین مسکن برای کارگران

تامین مسکن، یکی از الویتهای اصلی سیاست
ملی ما بود . برای نیل به این منظور میبایست که به
اصلاحات عمده شهری، ایجاد شهرهای جدید، اصلاح
محللات قدیمی شهرهای موجود و بخصوص جلوگیری از
معاملات سوداگرانه اراضی بپردازیم .

برای مبارزه با این معاملات سوداگرانه و
جلوگیری از افزایش سرسام آور قیمت زمین ، اصل
هیجدهم انقلاب اعلام شد . اعلام این اصل در سال ۱۳۵۶
صورت گرفت ، ولی قبل از آن نیز از توجه به این مطلب
غافل نبودیم . موثرترین راه جلوگیری از سوء
استفاده ها این بود که دولت را " به احداث و
ساختمان مسکن برای نیازمندان بپردازد . هم
یک برنامه ملی طویل المدت ضرورت داشت و هم یک
برنامه فوری و سریع که نیازهای عاجل را برآورد .
یکی دیگر از مباحثی سیاست مسکن تامین شرایط مطلوب
و تشویق آمیز برای سرمایه گذاری خصوصی در زمینه
مسکن بود . به همین منظور بود که شرکتهای متعدد
پس از اندازه و وام مسکن تشکیل شد ، امکانات بانکی
رهنی ایران افزایش یافت ، بانک ساختمان و صندوق
سرمایه گذاری بانکهای ایران در برنامه های
خانه سازی بنیان گرفت و بالاخره برنامه وسیعی برای
ایجاد و تشویق و گسترش تعاونیهای مسکن تدوین
گشت .

طبق آمار موجود ، وزارت آبادانی و مسکن سه
تنهائی تا پایان سال ۱۳۵۷ سی و یک هزار واحد
مسکونی (خانه های سازمانی ، خانه های ارزان قیمت

خانه‌های کارگری ساخته و تحویل داده و احداث نزدیک به چهل هزار واحد مسکونی دیگر را آغاز کرده بود. به علاوه ۲۰۵۶ طرح شهرسازی و عمرانی در شهرها و ۶۸۹۲ طرح عمرانی و نوسازی در روستاها به انجام رسیده بود.

چنین مقرر بود که هر واحد بزرگ صنعتی، هر مؤسسه اقتصادی ملی با کمک دولت و استفاده از اراضی ملی بتواند به خانه‌سازی برای کارگران و کارمندان خود بپردازد و این خانه‌ها هر چه ممکن است به محل کار نزدیک باشد تا از رفعت و آمد و تلاف و بروز مشکل عبور و مرور جلوگیری شود. در این مدت ۲۱۱۵ طرح رفاهی و فرهنگی برای جوانان نیز به انجام رسید که مشتمل بود بر ساختمان مدارس و دانشگاه‌ها و بیمارستانها و درمانگاهها و مراکز ورزشی و تفریحی اردوگاههای تابستانی و امثال آنها. همچنین اجرای ۸۷۹ طرح دیگر در حال پیشرفت بود.

البته باید به این طرحها، مجموع فعالیتهای عمرانی و بهسازی سپاه ترویج و آبادانی در سطح روستاها و حتی شهرهای کوچک کشورمان افزوده شود. به منظور کمک به تامین مسکن دوازده میلیون مترمربع زمین در اختیار شرکتهای تعاونی مسکن گذاشته شد و طی مدت ده سال ۵۴۴/۰۰۰ نفر از وامهای طویل‌المدت ساختمان و یا خرید مسکن استفاده کردند که مجموع این وامها به رقم ۱۰۳ میلیارد ریال بالغ گردید.

با تمام این تفصیلات باید قبول کنیم که برنامه تامین مسکن برای کارگران از نقاط ضعف سیاست ما محسوب میشد، چرا که با تمام کوششهایی که انجام گرفت، موادی مثل سیمان و آجر و امکانات کافی برای نیل به همه برنامه‌ها و هدفهای خود

دراختیار نداشتیم .

تامین بهداشت و سلامت کارگران

شمول بیمه‌های اجتماعی بر همه کارگران، یکی دیگر از هدفهای عمده کشور محسوب میشود. ایران در این زمینه، نیم قرن از کشورهای دیگر عقب بود و من می‌بایست که این تاخیر را سریعاً " جبران کنم . اصل شانزدهم انقلاب به تامین خدمات پزشکی و درمانی جهت زنان باردار و نوزادان اختصاص یافت که مجموعاً " هر سال حدود صدها هزارتن از مزایای این اصل بهره‌مند میشوند. اعلام و تصویب و اجرای این اصل، گامی دیگر در راه تحقق طب ملی و تامین موجبات و وسائل درمان برای همگان بود. به‌مراه اعلام این اصل، اجرای برنامه وسیعی در زمینه پیش‌گیری بیماریهای ساری و انجام تلقیحات ضروری وپسازی و پاکسازی محیط زیست آغاز گردید. تصمیم بر آن بود که برای هر یک از شهروندان، دفترچه درمانی خاص تهیه گردد که در آن همه سوابق و اطلاعات مربوط به سلامت وی مندرج باشد و به این ترتیب کار تلقیح ودریابی بیماریها ودرمان آنها تسهیل گردد .

من همواره ، کوشش برای تامین بهداشت عمومی وگسترش خدمات درمانی را از هدفهای مقدم و اصلی دولتها تلقی میکردم . گرچه خوانندگان ایرانی این سطور غالباً " با اساسی و مشخصات سازمانهایی که ذکر میکنم آشنا هستند، معذالک یادآوری نام آنها را به منظور تجلیل از خدماتشان ضروری میدانم : نخست شیروخورشید سرخ ایران که قدیمی ترین پیا زمان خدمات درمانی و بهداشتی و امداد کشور ما محسوب

میشود: دیگر سازمان شاهنشاهی خدمات اجتماعی، و بنگاه حمایت مادران ونوزادان وبنیاد پهلوی. هر سه این سازمانها درزمینه درمان، مبارزه با بیماریهای همهگیر، گسترش خدمات بهداشتی، تامین سلامت گروههای مختلف اجتماعی، خدمات امدادی، بهسازی ونوسازی محیط زیست، خدمات وسیع و متنوعی را به عهده داشتند.

موسسات دیگری که هر یک به نوبه خود در کار بهداشت و درمان فعالیت داشته و به اجرای برنامه های دولت کمک ویا آنها را تکمیل میکردند، به قرار زیر هستند: جمعیت آموزشی و بهزیستی فرح پهلوی، بنیاد ملکه پهلوی، سازمان ملی حمایت از نابینایان وناشنوایان، انجمن ملی حمایت کودکان، انجمن ملی مبارزه با جذام، انجمن ملی مبارزه با سرطان، سازمان ملی خون و.....

کوششهای اجتماعی و انسانی شهبانو

بسیاری از سازمانهایی که به آنها اشاره کردم، تحت ریاست عالی شهبانو خدمت میکردند که با قلبی رئوف و کوشی بسیار به آنها میپرداخت. کافی است تنها به یک مورد اشاره کنیم: امروزه درمان جذام، کاری عادی است اما تجدید زندگی فعال جذامیان شفا یافته و بازگشت آنان به اجتماع، با مقاومت افراد و پیش داوریهای مختلف روبرو میشود. برای پیروزی بر این مشکل، شهبانو راه حل خاصی ارائه دادند: برای جذامیان شفا یافته دهکده خاصی با برخورداری از همه تاسیسات اجتماعی و فرهنگی و رفاهی ساخته شد که در آن استقرار یافتند.

جذابیت این دهکده چنان بود که روستائیان بسیار بدان روی آوردند و با بیماران فعلی یکجا به فعالیت پرداختند و کار ادغام، خود به خود جامه عمل پوشید روزی که شهبانو برای بازدید به این دهکده رفتند، با استقبال پرشور و هیجان مواجه گردیدند.

تلاش مداوم شهبانو برای ارتقاء و پیشرفت زنان ایرانی با موانع و مشکلاتی ناشی از سنتهای قدیم و باورهای اجتماعی روبرو میشد که لازم آمد به تدریج در رفع آنها اقدام شود. اندک اندک در مناطق مختلف کشور کلاسهای مختلط بوجود آمد، زنان پذیرفتند که پزشکان مرد به معاینه و مداوای آنان بپردازند، رفت و آمد پرستاران زن موتور سوار که برای انجام خدمات درمانی به روستاها میرفتند امری عادی شد. همه اینها انقلابی بزرگ در زندگی روستاها و شهرهای ایران بود.

شهبانو ریاست عالی انجمن ملی حمایت کودکان را بعهده داشتند. این انجمن با همکاری کارشناسان سازمانهای بین المللی که بدانها وابسته بود، با اصلاح و تکمیل قوانین مربوط به کودکان توجه خاص مبذول داشت و همچنین بیمارستانها، درمانگاههای تخصصی، شیرخوارگاهها اردوهای تابستانی برای کودکان در سرتاسر کشور تاسیس نمود.

هدف همه سازمانهای اجتماعی و درمانی که بر ریاست عالی شهبانو فعالیت میکردند، تکمیل و تسهیل کار دستگاههای دولتی با استفاده از خدمات داوطلبانه و کمکهای بخش خصوصی بود و در این زمینه توفیق بسیار بدست آوردند.

مناسب است اشاره ای هم به بیمارستان قلب ملکه پهلوی بکنیم که به همت مادرم بنیان یافت و از مجهزترین و بهترین بیمارستانهای تخصصی در جهان

بشمار میرفت. این موسسه که همه پزشکان آن ایرانی بودند، علاوه بر خدمات درمانی، وظیفه مهمی در آموزش تخصصی بیماریهای قلب و عروق بعهدہ داشت.

سیاست تامین اجتماعی

اصل هفدهم انقلاب شاه و ملت، به تامین اجتماعی و گسترش و تعمیم آن به همه گروههای حرفهای و اجتماعی اختصاص داشت. هدف غائی و نهائی سیاست ملی ما آن بود که همه افراد فعال جامعه، در مقابل خطرات ناشی از حوادث، بیماریها، ناتوانیهای ناشی از کار بیمه شوند و نیز همه ایرانیان بتوانند از نوعی بیمه ایام پیری و سالخوردگی یعنی بازنشستگی بهره مند گردند. همچنین میبایست تدابیر و مقررات خاصی برای حمایت از نوجوانان خانواده های نوپا و نیز کودکان استثنائی در این مجموعه مقررات و نظامات ملحوظ و منظور گردد.

باید صراحتاً بگویم که قوانین و مقررات تامین اجتماعی در کشور ما، از متریکی ترین و کاملترین قوانین جهانی در این زمینه بشمار میآید. بعنوان مثال در پیشرفته ترین ممالک، حقوق بازنشستگی از ۵۰ الی ۶۰ درصد حقوق تجاوز نمیکنند، حال آنکه این رقم در ایران در بعضی موارد حتی به صد درصد اصل حقوق میرسد و کوشش بر آن بود که میزان مقرری بازنشستگی از حداقل مصوب حقوق و دستمزد کمتر نباشد و با نوسانهای شاخص هزینه زندگی منطبق گردد.

مشارکت کارگران در سود خالص کارخانه‌ها

اصل چهارم انقلاب شاه و ملت، یعنی مشارکت کارگران در سود خالص کارخانه‌ها، در سال ۱۳۴۲ اعلام شد و به تصویب رسید. اجرای این اصل بر انعقاد الزامی قراردادهای دسته‌جمعی کارنهاده بود که حتی الامکان بدون مداخله مستقیم دولت، کارگران و کارفرمایان بتوانند از طریق نمایندگان اتحادیه‌های خود به ترتیب مشارکت کارگران را در سود خالص واحدهای صنعتی و صرّفه‌جوئی‌های ناشی از کاهش ضایعات بدهند.

فقط در سال ۱۳۵۶ تعداد ۵۴/۰۰۰ تن از کارگران بخش خصوصی و بخش دولتی توانستند اضافه درآمدی معادل ۱۲ میلیارد ریال از این ممرتحصیل نمایند که تقریباً برابر یک تادوماه دستمزد متعارف آنان بود. در طی چهارده سال اجرای این اصل، میزان کل دریافتی از این بابت، یکمصدوبیست و هشت برابر شد.

در این رهگذر، بانک رفاه کارگران ماموریت یافت که با اعطای وام به کارگران، ایجاد تعاونیهای کارگران را تسهیل نماید. بر رویه هم چندین میلیارد ریال در این زمینه پرداخت شد که از محل آن کارگران توانستند به خرید ویاتعمیر منازل ویاتهییه وسایل زندگی بهتر بپردازند. نرخ بهره وامهای بانک در بعضی از موارد فقط ۴٪ یعنی بسیار با صرّفه بود.

بدین ترتیب، همکاری واقعی و موثر کارو سرمایه در ایجاد و توسعه واحدهای بزرگ صنعتی

وهمبستگی و اشتراک منافع همه عوامل انسانی تولید کارگران، متخصصان فنی، مهندسان و مدیران از قسوه به فعل پیوست.

سه اصل عمده حاکم بر قوانین و مقررات کارگری ما عبارت است از:

۱- هر کارگر ایرانی دارای حق اشتغال و حقوق برخوردار است و از تامین اجتماعی است و اگر کار خود را از دست بدهد و دچار بیکاری شود از بیمه بیکاری استفاده خواهد کرد.

۲- حداقل دستمزد، با توجه به نوسانات شاخص هزینه زندگی، هر سال تعیین میشود. این حداقل، با توجه به بخشهای مختلف صنعت و موقع جغرافیایی واحدهای صنعتی معتبر است. طبقه بندی مشاغل بمنظور تعیین عادلانه دستمزدها، الزامی است.

۳- بازده کار در تعیین میزان دستمزد موثر است. تاکید برای اجرای دقیق این اصل می بایست، بهره‌وری کار را بتدریج افزایش دهد.

همچنین، کوشش ما بر آن بود که آموزش حرفه‌ای را در جوار فعالیت صنعتی هر چه بیشتر توسعه دهیم تا میزان مهارت و تخصص کارگران با توجه به نیازهای روز افزون کشور، افزایش یابد. در این رهگذر، توجه کامل بعمل آمد که در هر یک از مراکز استانها، واحدهای بزرگی برای آموزش حرفه‌ای تاسیس شود که هم به تربیت کارگران جوان و آماده سازی آنان بپردازد و هم به تکمیل مهارت کارگران شاغل در همین خدمت. همچنین مراکز بازآموزی فعال و پرتحرکی تاسیس شد که با استقبال فراوان کارگران ما مواجه گشت چرا که طبق قوانین کار ایران، هر کارگر حق داشت تا بالاترین سطوح تخصصی